

بررسی اثر گردشگری بر رشد اقتصادی ایران (در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۸۷)

دکتر حسین شریفی رنانی*

مریم صفائی شکیب**

مصطفی عمادزاده***

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۲

تاریخ ارسال: ۸۹/۸/۶

چکیده

وابستگی به درآمد نفت یکی از ویژگی‌های برجسته اقتصاد ایران است که این میزان در سه دهه گذشته افزایش یافته است. با آنکه ذخایر نفتی ایران بسیار غنی است ولی در سال‌های نه چندان دور به پایان خواهد رسید. لذا، اهمیت صنعت گردشگری در ایران، به ویژه در دهه‌های آینده که امکانات کشور از درآمدهای نفتی محدودتر خواهد شد بر کسی پوشیده نیست. امروزه بیشتر کشورهای جهان در رقابتی نزدیک و تنگاتنگ در پی بهره‌گیری از مزایای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به ویژه دریافت سهم بیشتری از درآمد و بالا بردن سطح اشتغال ناشی از صنعت گردشگری در کشور خود هستند.

در این پژوهش به بررسی تأثیر صنعت گردشگری بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از رویکرد خودتوضیحی با وقفه گسترده (ARDL) و با بهره‌گیری از داده‌های فصلی در دوره ۱۳۶۸-۱۳۸۷ پرداخته‌ایم. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری سرانه در بخش گردشگری و همچنین ورود سرانه گردشگران به کشور اثر معناداری بر رشد اقتصادی ایران دارد.

واژگان کلیدی: صنعت گردشگری، رشد اقتصادی، مدل ARDL.

طبقه‌بندی JEL: L۸۳، C۳۲، O۴۰.

مقدمه

کشور ایران یکی از قطب‌های مهم گردشگری در جهان به شمار می‌رود که با برخورداری از سابقه دیرین تمدن و فرهنگ، طبیعت و شرایط اقلیمی گوناگون و عوامل دیگر از این دست، توانایی قرارگیری در جایگاه مناسب نقاط پرجاذبه گردشگری در سطح آسیا و بین‌المللی را دارد. تأثیر گردشگری بر بالا بردن میزان اشتغال در کشورها، افزایش^{درآمدهای} ارزی، رونق صنایع داخلی، گسترش همکاری‌های بین‌المللی و بسیاری دیگر از عوامل پیش برنده اقتصادی موجب شده است تا نگرش کشورهای دنیا به مرز آن تغییر یافته و جایگاه مهمی در سیاستگذاری دولت‌ها پیدا کند.

h.sharifi@khuisf.ac.ir

* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، استادیار گروه اقتصاد.

** دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی.

maryam_safaei_shakib@yahoo.com

emazir@gmail.com

*** دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، استاد گروه اقتصاد.

به تصدیق سازمان یونسکو، ایران از نظر وجود آثار تاریخی و فرهنگی در میان هشت کشور نخست جهان جای دارد و به لحاظ جاذبه‌های اکوتوریسمی و تنوع اقلیمی جزء پنج کشور برتر دنیاست. طبیعت چهار فصل ایران، وجود دریا، کویر، چشمه‌های آب گرم، حیات وحش متنوع و انحصاری، جاذبه‌های گردشگری مذهبی و تمدن هفت هزار ساله این قابلیت را به ایران بخشیده است که در ردیف‌های نخست گردشگری جهان قرار گیرد. بنابراین، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه گردشگری و سرمایه‌گذاری‌های کلان کشور در این بخش و توجه به این صنعت به عنوان ابزاری مناسب می‌تواند در ادامه روند توسعه و رشد اقتصادی ایران عامل مهمی محسوب شود.

میزان ورودی گردشگران بین‌المللی در جهان، از ۴۳۸ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ به ۸۸۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۹ رسیده است، همچنین، میزان درآمدهای حاصل از گردشگری در جهان از ۲۶۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۸۵۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ رسیده است.^۱ در ایران نیز میزان ورودی گردشگران از ۱۵۴ هزار نفر در سال ۱۹۹۰ به حدود ۲ میلیون و سیصد هزار نفر در سال ۲۰۰۹ رسیده است.^۲

بر اساس گزارش رقابت‌پذیری گردشگری که توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر شده، چهارده شاخص رقابت‌پذیری گردشگری در زمینه رویه‌ها و مقررات سیاسی، پایداری محیطی، سلامت و امنیت، بهداشت و درمان، خصوصی‌سازی صنعت گردشگری، زیرساخت‌های حمل‌ونقل هوایی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل زمینی، زیرساخت‌های گردشگری (هتل، بانکداری، تسهیل ویزا و جز اینها) فناوری ارتباطات و اطلاعات، قیمت‌ها (قیمت بلیط، قیمت سوخت، قیمت هتل و موارد دیگر) منابع انسانی، وابستگی به گردشگری و سفر، منابع طبیعی و منابع فرهنگی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته که در نهایت به رتبه‌بندی کشورها منجر شده است. رتبه ایران از نظر شاخص رقابت‌پذیری در میان ۱۳۹ کشور جهان ۱۱۴ است.^۳

با توجه به چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران لازم است سهم ایران از شمار گردشگران جهانی از ۰/۰۹ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۱/۵ درصد در سال ۱۴۰۴ افزایش یابد، یعنی حدود ۲۰ میلیون نفر گردشگر از بازار جهانی را سالانه به خود جذب نماید که این امر مستلزم سرمایه‌گذاری بیش از ۳۰ میلیارد تومان در این صنعت با سهم حدوداً ۱۶ درصدی بخش دولتی و مابقی از بخش خصوصی است. همچنین، طبق سند چشم‌انداز، سهم ایران از درآمد گردشگری جهانی باید از ۰/۰۷ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۲ درصد در سال ۱۴۰۴ رشد یابد؛ به گونه‌ای که کشور ایران در سال ۱۴۰۴ سالانه نزدیک ۲۵ میلیارد دلار از محل گردشگر ورودی، درآمد کسب نماید.^۴ اما روند کنونی به هیچ عنوان رضایت‌بخش نیست و راه دشوار ایران برای دستیابی به ۲ درصد از درآمد جهانی توریسم را نمایان می‌سازد. لذا توجه به اهداف سند چشم‌انداز در این راستا می‌تواند عامل مهمی برای شتاب بخشیدن به آهنگ رشد و توسعه را فراهم نماید.

در این پژوهش برای بررسی تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی ایران به دنبال بررسی اثر سرمایه‌گذاری سرانه در بخش گردشگری و ورود سرانه گردشگران بر رشد اقتصادی هستیم. پس از مقدمه، در قسمت دوم مروری بر ادبیات موضوع و مبانی نظری خواهیم داشت و در قسمت سوم برخی از مطالعات تجربی را ارائه کرده‌ایم. قسمت چهارم به روش‌شناسی پژوهش اختصاص یافته و برآورد مدل و تحلیل یافته‌های تجربی را در قسمت پنجم ارائه کرده‌ایم. در پایان نیز به ارائه نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی خواهیم پرداخت.

۱. World Tourism Organization (UNWTO), ۲۰۱۰

۲. World Travel & Tourism Council (WTTC), ۲۰۱۱

۳- The Travel and Tourism Competitiveness Report, ۲۰۱۱

۱. مصوبه هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۹ به شماره ۵۹۴۴۷/۳۱۰۹۰

۱. مروری بر ادبیات موضوع و مبانی نظری

امروزه رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین مسائل کشورهای جهان تلقی می‌شود. رشد اقتصادی یکی از شاخص‌های کمی سنجش میزان پیشرفت اقتصاد کشورها بوده و عوامل اثرگذار بر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. این شاخص از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد که در این میان ظرفیت‌های صنعت گردشگری، مانند ایجاد فرصت‌های شغلی، توسعه زیرساخت‌ها، ورود گردشگران خارجی، افزایش تقاضا برای کالاهای داخلی، افزایش صادرات و افزایش امکان سرمایه‌گذاری خارجی، از دلایل اصلی است که در راستای رشد اقتصادی باید بدان توجه ویژه‌ای داشت. با درک موقعیت برتر این صنعت در الگوهای مختلف توسعه اقتصادی، می‌توان رشد اقتصادی کشور را تقویت کرد. در این رابطه، پرسش اساسی چگونگی شکل‌گیری فرایند رشد است. بحث الگوهای رشد برونزا در این است که چه عواملی تأثیرگذار بر نرخ رشد است. مدل‌های رشد برونزا به مدل‌هایی گفته می‌شود که هرگونه تغییر تکنولوژیکی در خارج از مدل شکل می‌گیرد، همچنین، تأثیر سیاست‌های دولت سطحی بوده و پس از یک دوره تخلیه می‌شود، به عبارت دیگر ممکن است سیاستها نرخ رشد را به طور موقتی افزایش دهند و اقتصاد در یک مسیر رشد متوازن قرار گیرد اما در بلند مدت به سطح اولیه خود باز می‌گردد. سولو و سوان^۱ (۱۹۵۶)، اصلی‌ترین شکل تئوری نئوکلاسیکی رشد را بوجود آوردند. مدل نئوکلاسیک برای این موضوع تأکید می‌کند که چگونه رشد از انباشت سرمایه حاصل می‌شود. در راستای محتوای این الگوها بود که اقتصاددانان توصیه نمودند برای کسب رشد اقتصادی بالاتر، باید کشورها سیاست اقتصادی خود را در جهت افزایش موجودی سرمایه فیزیکی تنظیم نمایند.

سولو و سوان (۱۹۵۶) کاس و کومپانز^۲ (۱۹۶۵) از جمله اقتصاددانانی هستند که چنین مدل‌هایی را مطرح کردند. الگوی سولو به اشکال مختلفی ساده شده است. به طور مثال، در اقتصاد تنها یک کالای واحد و همگن تولید می‌شود، دولت وجود ندارد، اقتصاد در اشتغال کامل قرار دارد و نوسانات در اشتغال در نظر گرفته نشده است، تابع تولید یک تابع کلان با تنها سه نهاده است، نرخ‌های پس-انداز، استهلاک، رشد جمعیت و پیشرفت فنی ثابت در نظر گرفته شده‌اند. در این الگو، رشد بلندمدت تولید سرانه تنها به پیشرفت فنی بستگی دارد. اما رشد در کوتاه‌مدت می‌تواند ناشی از پیشرفت فنی یا انباشت سرمایه باشد. فرض اصلی الگو در مورد تابع تولید این است که تابع دارای بازگشت به مقیاس ثابت با توجه به دو نهاده سرمایه و نیروی کار مؤثر است، همچنین این مدل بر قابلیت‌های انباشته‌شده سرمایه و سایر عوامل سرمایه‌های دیگر و کاهنده‌بودن بهره‌وری نهایی داده‌ها مبتنی است. مدل رشد اساسی نئوکلاسیک‌ها بدون عامل پیشرفت فنی به این نتیجه منجر می‌شود که وقتی اقتصاد روی مسیر رشد تعادلی و بلندمدت خود رشد می‌کند، محصول و سرمایه متناسب با نیروی کار رشد کرده و نرخ رشد هر سه یکسان است. اما این نتایج با شواهد تجربی و حقایق آماری مربوط به رشد که بیانگر این است که سرمایه و تولید هر دو به طور یکسان و متناسب رشد می‌یابند، سازگار نیست. برای رفع این ناسازگاری می‌توانیم عامل پیشرفت فنی را به صورت نرخ افزایش بهره‌وری نیروی کار که به صورت برونزا تعیین می‌شود به سیستم اضافه کنیم. بنابراین، می‌توانیم بار دیگر نیروی کار را در مدل نئوکلاسیکی سولو به صورت نیروی کار مؤثر که نه تنها شامل کمیت تعداد کارگران می‌شود، بلکه عامل پیشرفت‌های فنی (عامل کیفی) را هم در خود دارد، تعریف کنیم. الگوهای رشد نئوکلاسیکی با فرض تابع تولید کاب-داگلاس را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$Y_t = K_t^\alpha (A_t L_t)^{1-\alpha} \quad 0 < \alpha < 1 \quad (1)$$

۱. Solow and swan

۲. Cass and Kompan

که در آن، Y تولید کل، K سرمایه فیزیکی، L نیروی کار و A سطح فناوری کار افزا و AL نیروی کار مؤثر است. پیش‌بینی اصلی الگو این است که درآمد واقعی تحت تأثیر نرخ پس‌انداز و نرخ رشد جمعیت است.

فرضیه صادرات منجر به رشد (ELGH)^۱، فرض می‌کند که رشد اقتصادی نه تنها به وسیله افزایش در میزان نیروی کار و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایجاد می‌شود، بلکه به وسیله توسعه صادرات نیز حاصل می‌شود. مستقیماً از این فرضیه، فرضیه گردشگری منجر به رشد (TLGH)^۲ اقتباس شده است؛ زیرا اولاً گردشگری بین‌المللی به عنوان یک منبع تأمین مالی، نوعی صادرات جدید محسوب می‌شود و ثانیاً یک عامل استراتژی بالقوه برای رشد و توسعه اقتصادی به حساب می‌آید که مبنای بسیاری از مطالعات اقتصادی در سطح جهانی قرار گرفته و در بیشتر موارد درستی آن به اثبات رسیده است که تنها تفاوت آن با صادرات کالاها و خدمات این است که مصرف‌کننده، آن را در کشور میزبان مصرف می‌کند. این نظریه استدلال می‌کند که رشد اقتصادی یک کشور نه تنها تابعی از نیروی کار، سرمایه، صادرات و عوامل دیگر در آن کشور است بلکه می‌تواند تحت تأثیر میزان گردشگر وارد به آن کشور نیز باشد. بالاگوئر و کانتاولا^۳ (۲۰۰۲)، نخستین پژوهشگرانی بودند که به این مفهوم اشاره کردند و از آن پس توجه زیادی به این موضوع معطوف شده است.^۴

UNWTO پنج محور اصلی را برای اندازه‌گیری اثرات اقتصادی صنعت توریسم پیشنهاد می‌کند که عبارتند از افزایش تولید ناخالص داخلی، تأمین ارزهای خارجی که به دو طریق مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد، یعنی از طریق ارزهایی که گردشگران هنگام اقامت در کشور دیگر صرف پرداخت هزینه‌های مختلف می‌کنند و همچنین بازپرداخت‌هایی که برای عزیمت از آن کشور به کشور دیگر به عمل می‌آورند، ایجاد اشتغال که معمولاً موقتی است ولی ممکن است در جاهایی که توسعه مداوم گردشگری وجود دارد بسیار طولانی شود، ضریب تکاثر که به تأثیری که یک منبع خارجی درآمد بر اقتصاد دارد، اشاره می‌کند و در محاسبات اقتصادی گردشگری به دو ضریب افزایش درآمد و ضریب افزایش اشتغال تفکیک می‌شود و در نهایت، کمک به افزایش درآمدهای دولتی که این امر شامل مالیات هتل‌ها و انواع دیگر مالیات‌های گردشگری، عوارض خروج فرودگاه‌ها، عوارض گمرکی بر واردات صنعت گردشگری، مالیات بر درآمد مؤسسات و کارمندان صنعت گردشگری و مالیات بر دارایی تأسیسات گردشگری است.

۲. مطالعات تجربی

بالاگوئر و کانتاولا (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای به آزمون نقش گردشگری در رشد بلندمدت اقتصادی اسپانیا پرداخته‌اند. فرضیه آن‌ها مبنی بر این که گردشگری به رشد منجر می‌شود، با آزمون علیت و همجمعی تأیید شده است. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که رشد اقتصادی در اسپانیا، حداقل در سه دهه اخیر به طور محسوس و مشهود، به توسعه پایدار گردشگری بین‌المللی منجر شده است. اجنیو - مارتین و همکاران^{۱۱} (۲۰۰۴) به بررسی رابطه گردشگری و رشد اقتصادی در کشورهای امریکای لاتین در دوره ۱۹۸۵-۱۹۹۸ پرداخته‌اند. آن‌ها از روش داده‌های تابلویی و برآورد کننده آرلانو - بوند^{۱۲} برای پانل‌های پویا استفاده کرده‌اند و برآوردی از روابط بین رشد اقتصادی و رشد سرانه گردشگری را به دست آورده‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که صنعت گردشگری برای

۱. Export-Led Growth Hypothesis
۲. Tourism-Led Growth Hypothesis
۳. Balaguer and Cantavella
۴. Cortés and Pulina. (۲۰۰۶)
۱-Eugenio-Martin , et al
۲-Arellano-Bond estimator

رشد اقتصادی کشورهای با درآمد پایین و متوسط همچون کشورهای آمریکای لاتین مناسب است. دریتساکیس^{۱۳} (۲۰۰۴) اثر گردشگری بر رشد اقتصادی بلندمدت یونان را با استفاده از روش علیت گرنجر آزمون کرد. یک بردار همجمعی بین GDP، میزان ارز مؤثر و درآمد حاصل از گردشگری بین‌المللی در دوره ۱۹۶۰ - ۲۰۰۰ وجود داشت. آزمون‌های علیت گرنجر که بر مدل‌های تصحیح خطا پایه‌ریزی شده بود، مشخص کرد که یک رابطه علی قوی دو طرفه بین درآمدهای حاصل از گردشگری بین‌المللی و رشد اقتصادی وجود دارد. به طور مشابه، روابط علی معناداری بین نرخ ارز مؤثر و رشد اقتصادی و همچنین، بین نرخ ارز مؤثر و درآمدهای حاصل از گردشگری بین‌المللی در این دوره در کشور یونان مشاهده شد.

اوه^{۱۴} (۲۰۰۵) بحث می‌کند که در مطالعه بالاگوئر و کانتاولا، تأیید این فرضیه که گردشگری در اسپانیا به رشد اقتصادی آن منجر می‌شود، ممکن است به این واقعیت مربوط باشد که این کشور یکی از برترین کشورها در کسب درآمد از گردشگری بین‌المللی است. تحلیل همجمعی در مطالعه وی، مشخص می‌کند که رابطه بلندمدتی بین درآمدهای گردشگری و رشد اقتصادی در کشور کره جنوبی در دوره ۱۹۷۵-۲۰۰۱ وجود ندارد. نتایج وی نشان می‌دهد که تنها یک رابطه از سوی رشد اقتصادی به سوی رشد گردشگری وجود دارد. از این رو در کشور کره جنوبی، بیشتر رشد اقتصادی به گسترش گردشگری منجر می‌شود تا این که توسعه گردشگری به رشد اقتصادی کمک کند. وی همچنین اشاره می‌کند که جهت علیت بین گسترش گردشگری و رشد اقتصادی ممکن است توسط عوامل متفاوتی تعیین شود. به اعتقاد وی، اندازه اقتصاد ملی و درجه بازبودن اقتصاد همانند میزان محدودیت‌های سفر به عنوان عوامل فیزیکی، باعث تفاوت‌هایی بین تایوان و کره جنوبی شده است. علاوه بر این عوامل، ممکن است درجه وابستگی به گردشگری، دوره زندگی مقصد گردشگری و سطح توسعه اقتصادی، از دیگر عوامل تعیین‌کننده جهت علیت بین این دو متغیر باشد.

فایسا و همکاران^{۱۵} (۲۰۰۷) با استفاده از داده‌های تلفیقی ۴۲ کشور آفریقایی در سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۴، نقش بالقوه گردشگری را در رشد اقتصادی و توسعه، در یک چارچوب نئوکلاسیکی، بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که دریافتی‌های گردشگری به طور قابل توجهی به هر دو سطح فعلی تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی کشورهای جنوب صحرای آفریقا، به شکل سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و انسانی کمک می‌کند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که کشورهای آفریقایی، می‌توانند رشد اقتصادی کوتاه‌مدت خود را توسط تقویت استراتژیک صنعت گردشگری، بالا ببرند.

کورتس-جیمنز^{۱۶} (۲۰۰۸) تأثیر احتمالی گردشگری را بر رشد اقتصادی با تمرکز بر دو تا از مهم‌ترین کشورهای جهان از نظر گردشگری، اسپانیا و ایتالیا در دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۴ بررسی کرده‌اند. پژوهش آنها دو بخش مهم را در نظر گرفته است: اول اینکه به گردشگری بین‌المللی محدود نمی‌شود بلکه گردشگری داخلی را نیز در نظر گرفته است و دیگر اینکه یک مطالعه‌ی منطقه‌ای است و برخی از معیارهای موقعیت جغرافیایی را نیز در نظر گرفته است. وی از روش‌های داده‌های تابلویی و برآورد کننده آرلانو - بوند (۱۹۹۱) برای پانل‌های پویا استفاده کرده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که هر دو گردشگری داخلی و بین‌المللی اثر مثبت و مهمی در رشد اقتصادی منطقه‌ای دارند. مهم‌ترین نتیجه آنها نشان داده است، از یک سوی گردشگری داخلی عامل اقتصادی مربوط به اسپانیا است، در حالی که به نظر می‌رسد گردشگری بین‌المللی برای ایتالیا مهم باشد.

۳- Dritsakis

۴- Oh, C. O

۱- Fayissa, et al

۲- Cortés-Jiménez

چیانگ لی و چن^{۱۷} (۲۰۰۸) بررسی کرده‌اند که چه تغییراتی، پایایی و ثبات رابطه بلندمدت بین توسعه گردشگری و تولید ناخالص داخلی را در تایوان برای دوره ۱۹۵۹-۲۰۰۳، می‌شکند. آنها به طور تجربی رابطه علی بین تولید ناخالص داخلی واقعی، توسعه گردشگری و نرخ ارز واقعی را در یک مدل چند متغیره بررسی کرده‌اند و از آزمون ریشه واحد و آزمون همجمعی برای بررسی شکست ساختاری استفاده کرده‌اند. دو متغیر مختلف گردشگری مورد استفاده آنها، دریافتی‌های گردشگری بین‌المللی و تعداد ورودی‌های گردشگر بین‌المللی است. شواهد تجربی به روشنی نشان می‌دهد که رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی دو طرفه است. در نهایت، تغییرات سیاسی و شوک‌های اقتصادی و سستی کنترل بخش گردشگری و برخی سیاست‌ها، پایایی رابطه بین توسعه گردشگری و رشد اقتصادی را می‌شکند.

فایسا و همکاران در سال ۲۰۰۹، به بررسی سهم صنعت گردشگری بر رشد اقتصادی و توسعه کشورهای آمریکای لاتین پرداخته‌اند. در این مطالعه از داده‌های تابلویی ۱۷ کشور آمریکای لاتین در دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۴ در چارچوب مدل رشد نئوکلاسیک استفاده کرده‌اند. نتایج به دست آمده برای کشورهای آمریکای لاتین مشابه نتایج به دست آمده برای کشورهای آفریقایی است. کریشان^{۱۸} (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه علی بین درآمدهای گردشگری و رشد اقتصادی برای کشور اردن در دوره ۱۹۷۰-۲۰۰۹ پرداخته است. وی از روش خودرگرسیون برداری (VAR) استفاده کرده است. او براساس آزمون‌های همجمعی یوهانسن و جوسلیوس و علیت گرنجر دریافت که یک رابطه مثبت بین گردشگری و رشد اقتصادی در کشور اردن وجود دارد، همچنین رابطه بین این دو متغیر از گردشگری به سوی رشد اقتصادی است.

در ایران نیز خوارزمی^{۱۳۸۴} به بررسی رابطه علی بین تجارت (صادرات و واردات) و جریان ورود جهانگردان خارجی به ایران، با استفاده از داده‌های سالانه از ایران و کشورهای متقاضی خدمات جهانگردی از آن در سال‌های ۳۸-۱۳۸۰ پرداخته است. وی از آزمون یاماماتو^{۱۹} (۱۹۹۵) برای این بررسی استفاده کرده و به این نتیجه رسیده است که رابطه علی یک طرفه بین تجارت و گردشگری (از تجارت به گردشگری) برقرار است. وی با توجه به این نتیجه پیشنهاد کرده است که در برآورد الگوهای پیش‌بینی تقاضا برای گردشگری، تجارت به عنوان یک عامل مهم در نظر گرفته شود.

طیبی و همکاران (۱۳۸۶) به بررسی رابطه گردشگری بین‌المللی و رشد اقتصادی در ایران با استفاده از الگوی علی گرنجری در دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۳، پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی ایران، یک رابطه علی دو طرفه است و بین این دو متغیر، یک تعادل بلندمدت وجود دارد.

طیبی و همکاران (۱۳۸۷) همچنین در مطالعه‌ای رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی را در ایران با استفاده از الگوی VAR در دوره ۳۸-۱۳۸۳ و کشورهای OECD به علاوه چین، هنگ کنگ، مالزی، روسیه و تایلند در دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۴ با استفاده از الگوی VAR-Panel بررسی کرده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی ایران، کشورهای OECD به علاوه چین، هنگ کنگ، مالزی، روسیه و تایلند، رابطه علی دو طرفه است و بین این دو متغیر، تعادل بلندمدت وجود دارد.

یاوری و دیگران (۱۳۸۸) رابطه میان صنعت گردشگری و رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی (OIC) را بر پایه مدل‌های پانل پویا و پانل ایستا، مورد بررسی قرار داده و رابطه میان گردشگری و رشد اقتصادی کشورهای اسلامی در دوره ۱۹۹۰ -

۲۰۰۷ را با استفاده از برآورد کننده‌ها، گشتاورهای تعمیم‌یافته، اثرات ثابت و اثرات تصادفی برآورد کرده‌اند. نتایج تجربی پژوهش آنها رابطه مثبت میان مخارج گردشگری و رشد اقتصادی در این کشورها را تأیید می‌کند.

۳. معرفی الگو

بررسی رابطه گردشگری و رشد اقتصادی ایران با استفاده از داده‌های فصلی در دوره ۱۳۶۸-۱۳۸۷ و الگوی $ARDL^{20}$ انجام می‌گیرد. روش $ARDL$ برای بررسی رابطه بلندمدت بین متغیرها به کار می‌رود. رویکرد همجملی $ARDL$ تکنیکی بسیار مناسب برای نمونه‌های بسیار کوچک از سری‌های زمانی است. بیشتر مطالعات اخیر بر این نکته تأکید دارند که $ARDL$ برای بررسی همجملی، از مزایای ویژه‌ای نسبت به روش‌های پیشین برخوردار است. اول این که این رویکرد بین متغیرهای وابسته و توضیحی تفاوت قائل می‌شود و مشکل درون‌زایی را حل می‌کند و دیگر این که اجزای بلندمدت و

کوتاه‌مدت را به طور هم زمان برآورده کرده و مشکلات مربوط به متغیرهای از قلم افتاده و خودهم‌بستگی را برطرف می‌کند و سوم این که صرف نظر از درجه هم‌گرایی برآورد کننده‌ها سعی در تشخیص و برآورد مدل دارد و نگرانی قبل از تحلیل استاندارد هم‌گرایی یکسان درباره یکسان بودن درجه هم‌گرایی متغیرها را برطرف کرده و دیگر نیازی به آزمون ریشه واحد نیست.

در مدل $ARDL$ ، برآورد کننده شامل وقفه‌های متغیر وابسته، متغیرهای توضیحی و وقفه‌های متغیرهای توضیحی هستند، که می‌توان آن را به صورت کلی زیر نشان داد:

$$\phi(L, p)y_t = \phi_0 + \sum_{i=1}^k \beta_i(L, q_i)X_{it} + u_t \quad (2)$$

که در آن، $\beta_i(L, q_i) = \beta_{i0} + \beta_{i1}L + \dots + \beta_{iai}L^{q_i}$ است. رابطه بالا مدل $ARDL(p, q_1, \dots, q_k)$ با متغیر وابسته y_t متغیر توضیحی X_t ، وقفه L و جزء u_t جزء اخلاص است. X_{it} ، $i = 1, 2, \dots, k$ در آن است. از آن جایی که در بلندمدت ارزش جاری و وقفه‌های هر یک از متغیرهای وابسته و توضیحی برابرند، می‌توان رابطه تعادلی بلندمدت را به شکل $y_t = \phi + \sum_{i=1}^k \beta_i X_{it} + \mu_t$ بیان کرد که در آن $\mu_t = \frac{u_t}{\phi(L, p)}$ ، $\beta_i = \frac{\beta_i(L, q_i)}{\phi(L, p)}$ و $\phi = \frac{\phi_0}{\phi(L, p)}$ است. افزون بر این، می‌توان رابطه تصحیح خطای مدل RDL را به شکل زیر نشان داد:

$$\Delta y_t = \Delta \phi_0 - \sum_{j=2}^p \phi_j \Delta y_{t-j} + \sum_{i=1}^k \beta_{i0} \Delta X_{it} - \sum_{i=1}^k \sum_{j=2}^q \beta_{i,t-j} \Delta X_{i,t-j} - \phi(L, p)ECM_{t-1} + u_t \quad (3)$$

که در آن، $ECM_t = y_t - \hat{\phi} - \sum_{i=1}^k \beta_i X_{it}$ ، و Δ عملگر تفاضلی مرتبه اول بوده و $\phi(L, p)$ سرعت تعدیل را نشان می‌دهد. با استفاده از مدل رشد اقتصادی سولو، به منظور تعیین واکنش نرخ رشد اقتصادی نسبت به پارامترهای در نظر گرفته شده می‌توان از تابع تولید لگاریتمی زیر استفاده کرد:

$$L_n GDP = \beta_0 + \beta_1 L_n K_T + \beta_2 L_n K_0 + \beta_3 L_n A \quad (4)$$

^{۲۰}. Autoregressive Distributed Lag

که در آن:

$L_n \text{GDP}$: لگاریتم طبیعی GDP واقعی سرانه،

$L_n K_T$: لگاریتم طبیعی انباشت سرمایه سرانه در صنعت گردشگری،

$L_n K_0$: لگاریتم طبیعی انباشت سرمایه سرانه در سایر صنایع،

$L_n A$: لگاریتم طبیعی تعداد گردشگران سرانه وارد شده.

در برآورد این تابع تولید موجودی سرمایه به دو بخش موجودی سرمایه در صنعت گردشگری (K_T) و موجودی سرمایه در سایر صنایع (K_0) تقسیم شده است، که هدف از این تفکیک، تعیین سهم عامل سرمایه در صنعت گردشگری (K_T)، در تولید ناخالص داخلی است. علت این که در این مطالعه برای بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری و رشد اقتصادی در ایران، سرمایه‌گذاری بدین صورت تفکیک شده، این است که در مطالعاتی که اثر سرمایه‌گذاری در امور مختلف را تفکیک نمی‌کنند بیشتر به اثر جایگزینی می‌پردازند، در حالی که اجزای مختلف سرمایه‌گذاری می‌تواند آثار متفاوتی ایجاد کنند و اصولاً در خصوص سرمایه‌گذاری عمومی در بخش‌های زیربنایی، بحث جایگزینی چندان مطرح نیست.

مدل ARDL متناسب با رابطه ۴ را به شکل زیر می‌نویسیم:

$$\Delta L \text{GDP}_t = c_0 + \sum_{i=1}^p \alpha_{1i} \Delta L \text{GDP}_{t-i} + \sum_{i=0}^{q_1} \alpha_{2i} \Delta L K_{T,t-i} + \sum_{i=0}^{q_2} \alpha_{3i} \Delta L K_{0,t-i} + \sum_{i=0}^{q_3} \alpha_{4i} \Delta L A_{t-i} \quad (5)$$
$$+ y_1 L \text{GDP}_{t-1} + y_2 L K_{T,t-1} + y_3 L K_{0,t-1} + y_4 L A_{t-1} + U_t$$

که در آن، GDP ، K_T ، K_0 ، A به ترتیب تولید ناخالص داخلی سرانه، سرمایه بخش گردشگری و سرمایه در سایر بخش‌ها و ورود گردشگران نیز سرانه است.

به منظور انجام آزمون F برای بررسی وجود رابطه بلند مدت میان متغیرها، فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه بلندمدت، $H_0: y_r = 0$ در مقابل فرضیه جایگزین $H_1: y_r \neq 0$ ، $r = 1, 2, 3, \dots$ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اگر آماره F محاسبه شده از حد بالای ارزش بحرانی بزرگتر باشد فرضیه صفر یعنی نبود رابطه بلندمدت رد می‌شود و اگر آماره F محاسبه شده، کوچکتر از حد پایین ارزش بحرانی باشد، فرضیه صفر را نمی‌توان رد کرد. اگر هم F محاسباتی در بین این دو محدوده قرار بگیرد نتایج استنباط، غیرقطعی و وابسته به این است که متغیرها $I(0)$ هستند یا $I(1)$ باشند. در صورت تأیید وجود همجمعی با استفاده از معیار اطلاعات آکائیک (AIC)^{۲۱}، وقفه بهینه برای هریک از متغیرها مشخص می‌شود^{۲۲} و مدل بلندمدت و سپس مدل تصحیح خطا برای متغیرها برآورد می‌شود.

۴. برآورد مدل و تحلیل نتایج تجربی

ابتدا به منظور بررسی وجود رابطه همجمعی بین متغیرها آزمون F مورد ارزیابی قرار می‌گیرد نتایج این آزمون در جدول ۱ نشان می‌دهد آماره F برای بررسی وجود رابطه همجمعی بین متغیرها آزمون F مورد ارزیابی قرار می‌گیرد نتایج این آزمون در جدول ۱ نشان می‌دهد آماره F برای بررسی وجود رابطه بلندمدت در وقفه یک‌ساله معنادار می‌شود که در این وقفه نیز آماره AIC بیشترین مقدار را دارد.

۱. Akaike Information Criterion.

۲. به علت کافی بودن تعداد مشاهدات در این مطالعه از این معیار استفاده کرده‌ایم.

جدول ۱. نتایج آماره F برای آزمون وجود همبستگی بین متغیرها

وقفه ها	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
آماره F	۰/۷۰	۰/۹۱	۱/۱۴	۱/۲۶	۱/۳۹	۱/۹۵	۱/۳۹	۲/۸۰	۱/۹۳	*۳/۷۹	۰/۹۵
آماره AIC	۵۵/۳۱	۶۴/۶۸	۶۵/۵۲	۶۱/۵۳	۵۹/۶۷	۶۸/۴۵	۶۳/۶۷	۷۵/۳۴	۷۲/۴۳	*۷۹/۶۹	۷۷/۰۶
* سطح بحرانی ۹۵٪ : ۲/۴۲ - ۳/۵۷											

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

با توجه به نتایج آزمون‌های تشخیصی در جدول ۲، تمام ضرایب برآوردی الگو معنادار است. مقدار آماره R^2 نیز نشان می‌دهد که برازش الگو براساس داده‌های ارائه‌شده در حد مطلوبی قرار دارد. همچنین، با توجه به آماره دوربین واتسون، وجود همبستگی پیاپی بین جملات خطا مردود است.

جدول ۲. آزمون های تشخیصی

R ^۲	D.W.	Functional Form	Normality	Heteroscedasticity
۰/۹۹	۱/۹۷	۱/۱۴ (۰/۲۸)	۰/۸۳ (۰/۶۶)	۱/۰۵ (۰/۳۱)

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

جدول ۳، ضرایب برآوردی رابطه بلندمدت را نشان می‌دهد که ضریب لگاریتم سرمایه‌گذاری سرانه در بخش گردشگری و ضریب لگاریتم ورود سرانه گردشگران در سطح ۹۵ درصد معنا دارند و علامت مثبت آنها، نمایانگر رابطه مثبت یا مستقیم این متغیرها با تولید ناخالص داخلی سرانه است که نشانه نشان می‌دهد یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری سرانه در بخش گردشگری به ۰/۲۲ درصد افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه خواهد شد، همچنین، یک درصد افزایش در ورود سرانه گردشگران به افزایش ۰/۵۲ درصد در تولید ناخالص داخلی سرانه منجر می‌شود. ضریب سرمایه‌گذاری سرانه در بخش‌های دیگر بی‌معنی به دست آمده است. توجیه این امر می‌تواند در توضیح‌دهی بالای سرمایه‌گذاری سرانه در بخش گردشگری باشد. به این معنی که جداکردن این جزء از کل سرمایه‌گذاری باعث بی‌معنی شدن ضریب سرمایه‌گذاری سرانه در سایر بخش‌ها، در تابع تولید شده است.

جدول ۳. ضرایب برآورد بلندمدت

متغیرها	AIC
LKt	۰/۲۲۳ (۲/۶۹)
	۰/۰۸۳ (۰/۵۲)
LKo	۰/۵۲۴ (۵/۱۲)
	۰/۵۶۲ (۰/۴۵)
LA	۰/۰۲۹ (۶/۵۹)

- اعداد داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهد.

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

نتایج به دست آمده در جدول ۴ ضرایب برآوردی کوتاه‌مدت را به همراه آماره t آنها بیان می‌کند. در این جدول، بر اساس نتایج ارائه شده ضریب $ECM(-1)$ منفی و معنادار و مقدار آن $-0/31$ است که نشان‌دهنده وجود رابطه بلندمدت و معنادار بین متغیرهای الگوست. همچنین، حاکی از آن است که در هر دوره ۳۱ درصد عدم تعادل در تولید ناخالص داخلی سرانه تعدیل می‌شود.

جدول ۴. ضرایب برآوردی کوتاه‌مدت

وقفه‌ها									متغیرها
۲			۱			۰			
AIC	SBC	HQC	AIC	SBC	HQC	AIC	SBC	HQC	
									ΔLGDP
									ΔLKt
						۰/۰۶۹	۰/۰۶۳	۰/۰۶۴	ΔLKo
						(۲/۰۵)	(۱/۸۸)	(۱/۹۰)	ΔLA
-۰/۱۴۳		-۰/۱۳۲	-۰/۱۳۳		-۰/۱۲۵	-۰/۴۳۱	-۰/۴۱۶	-۰/۴۳۳	C
۲/۷۸		(۲/۵۸)	۱/۹۷		(۱/۹۸)	(۷/۰۷)	(۶/۶۶)	(۷/۰۴)	t
-۰/۲۵۰			-۰/۳۹۵		-۰/۴۵۴	-۰/۳۷۴	-۰/۱۲۵	-۰/۳۲۷	Ecm(-۱)
(-۱/۴۲)			(-۲/۱۸)		(-۲/۵۶)	(۲/۰۷)	(۲/۲۴)	(۱/۸۳)	
						۰/۱۷۴	۰/۱۳۷	-۰/۰۶۴	
						(۰/۴۵)	(۰/۳۶)	(۰/۱۷)	
						-۰/۰۰۹	-۰/۰۰۸	-۰/۰۰۸	
						(۲/۷۸)	(۲/۵۷)	(۲/۶۸)	
			-۰/۳۱۰	-۰/۲۶۵	-۰/۲۸۵				
			(-۳/۲۹)	(-۳/۰۰)	(-۳/۰۵)				

- اعداد داخل پرانتز آماره t را نشان می دهد.

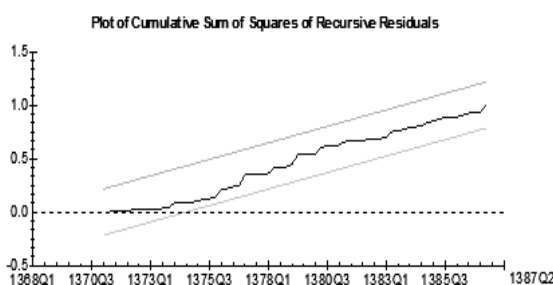
مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

نتایج آزمون‌های ثبات ساختاری $CUSUM$ ^{۲۳} و $CUSUMSQ$ ^{۲۴} در نمودار ۱ منعکس کننده ثبات در ضرایب برآوردی در طول دوره مورد بررسی است و به علت قرار گرفتن در فاصله اطمینان ۹۵ درصد شکست ساختاری در مدل وجود ندارد؛ زیرا در نمودارهای رسم‌شده، نمودار وسطی، هیچ یک از باندهای طرفین را قطع نکرده است.

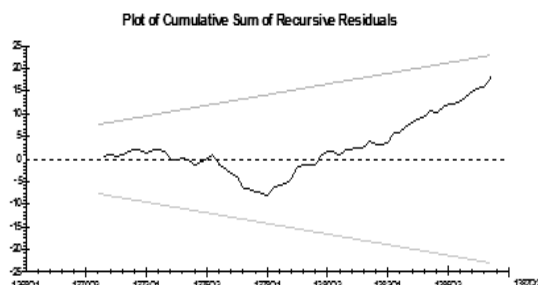
۱. Cumulative Sum of Residuals

۲. Cumulative Sum of Squared Residuals

آزمون CUSUMSQ



آزمون CUSUM



۵. جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها

در این مطالعه، عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی را با تأکید بر تأثیر متغیرهای سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری و ورود گردشگران، با استفاده از الگوی رشد برونزا بررسی کردیم. به منظور بررسی روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت از آزمون هم‌جمعی برای تجزیه و تحلیل روابط میان متغیرهای لحاظ‌شده در مدل، بهره‌گرفتیم و تجزیه و تحلیل‌ها را با استفاده از داده‌های سری زمانی فصلی برای سال-های ۱۳۶۸-۱۳۸۷ انجام دادیم. نتایج آزمون ARDL نشان داد که حداقل یک رابطه هم‌جمعی بلندمدت میان متغیرهای مدل وجود داشته و متغیر سرمایه‌گذاری سرانه در بخش گردشگری و ورود گردشگران سرانه به عنوان عوامل مهم تأثیرگذار بر رشد اقتصادی شناسایی شدند؛ به گونه‌ای که یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری سرانه در بخش گردشگری و همچنین یک درصد افزایش در ورود سرانه گردشگران به ترتیب به افزایش ۰/۲۲ درصد و ۰/۵۲ درصد در تولید ناخالص داخلی سرانه منجر شد. نتایج برآورد مدل تصحیح خطا نشان داد، در کوتاه‌مدت نیز تأثیر متغیرهای یاد شده بر رشد اقتصادی در سطوح مختلف معنادار است.

در این مطالعه، با تحلیل تابع تولید سعی کردیم به این پرسش به عنوان فرضیه اصلی پاسخ دهیم که سرمایه‌گذاری سرانه در بخش گردشگری و همچنین ورود گردشگران سرانه، چقدر در تولید یا رشد اقتصادی سهم دارند. ضریب به دست آمده برای متغیر سرمایه‌گذاری سرانه در بخش گردشگری نشان دهنده اثر قوی توسعه سرمایه‌گذاری در این بخش، بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه است. بدین ترتیب، در این پژوهش، تلاش کردیم تا در قالب کمی و در چارچوب تابع تولید، تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار داده و باتوجه به پژوهش‌های ارائه شده از سوی دیگر اقتصاددانان و نتایج به دست آمده، نقش مثبت و تعیین‌کننده آن در رشد اقتصادی (فرضیه TLGH) را بار دیگر به اثبات رسانیم.

با توجه به گزارش رقابت‌پذیری گردشگری که در قسمت مقدمه ذکر شد، مقام ایران در این رتبه‌بندی مطلوب نبوده و این در حالی است که بر اساس ارزیابی‌های سازمان جهانی گردشگری، ایران در شمار ده کشور برتر جهان از نظر جذابیت‌های گردشگری قرار دارد. لذا ضمن در نظر گرفتن نتایج برآورد این مطالعه، امید است که با توجه بیشتر دولت به امر گردشگری در ایران، بتوان در جایگاه شایسته‌ای در این صنعت که جایگزینی بی‌همتا برای درآمدهای رو به پایان نفت است، قرار گرفت. با بهبود اطلاع‌رسانی در عرصه ملی و بین‌المللی می‌توان در جهت معرفی هرچه بهتر جاذبه‌های این بخش اقدام کرد. همچنین، با سرمایه‌گذاری‌های مناسب برای بهره‌برداری بهینه از امکانات و منابع موجود و بسترسازی برای سرمایه‌گذاری‌های جدید و مستمر بخش خصوصی در سایه حمایت‌های دقیق و جامع بخش دولتی در تأسیسات و تجهیزات گردشگری و همچنین با رعایت حقوق و تأمین

امنیت گردشگران، تحولات بنیادینی در این صنعت پدید آورد.

منابع

- خوارزمی، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). بررسی رابطه علیت بین گردشگری و تجارت در ایران، (۱۳۸۰-۱۳۳۸). پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۷.
- رنانی، محسن؛ دلالی اصفهانی، رحیم و صمدی، علی. (۱۳۸۹). ارائه الگویی برای رشد اقتصادی ایران: برخی ملاحظات نهادی. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی سال دهم شماره ۲.
- طیبه، سیدکمیل؛ جباری، امیر و بابکی، روح اله. (۱۳۸۶). بررسی رابطه توسعه گردشگری و رشد اقتصادی در ایران (۱۳۸۳-۱۳۳۸). پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی (ویژه اقتصاد) سال هفتم، شماره ۲۶.
- طیبه، سیدکمیل؛ جباری، امیر و بابکی، روح اله. (۱۳۸۷). بررسی رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی. دانش و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۲۴.
- یاوری، کاظم؛ رضا قلی زاده، مهدیه؛ آقایی، مجید و مصطفوی، محمد حسن. (۱۳۸۹). تأثیر مخارج توریسم بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC). مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۱.

Balaguer, L. and M. Cantavella-Jorda. (۲۰۰۲). *Tourism as a long-run economic growth factor: The Spanish case. Applied Economics*. ۳۴, pp. ۸۷۷-۸۸۴.

Cortes-Jimenez, I. and Pulina, M. (۲۰۰۶). *A Further Step into the ELGH and TLGH for Spain and Italy*.

Cortés-Jiménez, I. (۲۰۰۸). *Tourism and economic growth at regional Level : the cases of Spain and Italy. International Journal of Tourism Research*, ۱۰ (۲), pp ۱۲۷-۱۳۹.

Dritsakis, Nikolas, (۲۰۰۴). *Tourism as a long-run economic growth factor: an empirical investigation for Greece. Tourism Economics*, ۱۰, pp. ۳۰۵-۳۱۶.

Eugenio-Martin, J. L., N.M. Morales, and R. Scarpa. (۲۰۰۴). *Tourism and economic growth in Latin American countries: A panel data approach*". *Social Science Research Network Electronic Paper*. No. ۲۶.

Fayissa, B. C. Nsiah, and B. Tadasse. (۲۰۰۷). *The impact of tourism on economic growth and development in Africa. Middle Tennessee State University, Department of Economics and Finance, Working Papers*, No. ۱۶.

Fayissa, B. C. Nsiah, and B. Tadasse. (۲۰۰۹). *Tourism and Economic Growth in Latin American Countries(LAC): Further Empirical Evidence. Department of Economics and Finance, Working Papers*, March ۲۰۰۹.

Kreishan, Fuad M.M. (۲۰۱۰). *Tourism and Economic Growth: The Case of Jordan. European Journal of Social Sciences – Volume ۱۵, Number ۲*.

Lee, C-C. Chien. (۲۰۰۸). *Structural breaks, tourism development, and economic growth: Evidence from Taiwan. Mathematics and Computers in Simulation* ۷۷, pp. ۳۵۸-۳۶۸

Oh, C.O. (۲۰۰۵). *The contribution of tourism development to economic growth in the Korean economy. Tourism Management*, ۲۶, pp. ۳۹-۴۴.

Ozturk, I and Acaravaci, A. (۲۰۰۹). *On The Causality Between Tourism Growth And Economic Growth: Empirical Evidence From Turkey*" *Transylvanian Review Administrative Sciences*, ۲۵E/۲۰۰۹, pp. ۷۳-۸۱.

The United Nations World Tourism Organization (UNWTO) (۲۰۱۰). Tourism Highlights, Facts and Figures section. Available at www.unwto.org.

World Travel & Tourism Council (WTTC). Available at www.wttc.org.

World Bank. (۲۰۱۰). World Development Indicators ۲۰۱۰.

The Effect of tourism industry on economic growth : the case of Iran

Hosein Sharifi-Renani^۱
Maryam Safaei-Shakib^۲
Mostafa Emadzadeh^۳

Abstract:

Economic growth has been one of the quantitative indexes to measure the rate of economic development, in different countries, and factors affecting on it, are very important. This index is affected from several factors, meanwhile, tourism capacities such as, creating job opportunities, infrastructural development, entry of foreign tourists, increasing demand for domestic commodities, increasing exports and increasing the possibility of foreign investment, Of the major reasons that should be a special effort in line with economic growth. Recognizing the superior position of tourism industry, in different patterns of economic development, can be strengthened economic growth.

The main goal of this paper reviews the effects of capital industry and entry of foreign tourists on economic growth of Iran in a time period between ۱۹۹۰ – ۲۰۰۹ by Autoregressive Distribution Lags approach (ARDL). Estimation results show that, the capital that used in the tourism sector, has a positive and significant effects on economic growth in Iran. Also entry of foreign tourists, shows positive and significant effects on it.

JEL: L۸۳, C۳۲, O۴۰

Key Words: Economic Growth, Tourism, Autoregressive Distribution Lags approach (ARDL).

۱. Assistant Professor of Department of Economics, Khorasgan (Isfahan) Branch, Islamic azad University

۲. MA Student of Economics, Khorasgan (Isfahan) Branch, Islamic azad University

۳. Professor of Department of Economics, Khorasgan (Isfahan) Branch, Islamic azad University

